

دوفصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، سال ششم، شماره سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۶، صفحات ۱۵۵-۱۲۷

تاریخ دریافت: ۱۳۹۶/۰۴/۳۱

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۳۹۶/۰۸/۰۶

بررسی ارتباط و تأثیر شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در ایران؛ با رویکرد تصحیح خطای برداری

محمدشریف کریمی^۱

مریم حیدریان^۲

معصومه دورباش^۳

چکیده

حکمرانی خوب به عنوان فرصتی برای افزایش رشد اقتصادی، امنیت اقتصادی و بهبود فضای کسب و کار از طریق به‌کارگیری شش شاخص کنترل فساد، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی و عدم خشونت، کیفیت مقررات، حاکمیت قانون و پاسخگویی و اظهارنظر مورد بررسی قرار می‌گیرد. مطالعه حاضر ضمن تبیین مکانیسم ارتباط حکمرانی خوب با بهبود رشد اقتصادی، در قالب الگوی اقتصادسنجی تصحیح خطای برداری، اثرگذاری هر کدام از شاخص‌های حکمرانی بر رشد اقتصادی در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۲ برای ایران مورد بررسی قرار دهد. نتایج حاصل نشان می‌دهد تمامی شاخص‌های حکمرانی دارای تأثیرگذاری مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی هستند. از بین شاخص‌های حکمرانی، کیفیت مقررات و پاسخگویی و اظهارنظر به‌ترتیب از بالاترین و پایین‌ترین اثرگذاری بر رشد اقتصادی برخوردارند. از بین شاخص‌های حکمرانی بالاترین ضریب تصحیح خطا مربوط به شاخص پاسخگویی و اظهارنظر با ۰/۷۰ درصد و پایین‌ترین ضریب مربوط به شاخص حاکمیت قانون با ۰/۴۶ درصد است. لذا پیشنهاد می‌شود سیاست‌گذاران اقتصادی، فعالیت‌های انجام شده جهت بهبود نحوه حکمرانی را به‌مثابه یک سرمایه‌گذاری مفید تلقی کنند تا نتیجه آن بهبود رشد اقتصادی و افزایش رفاه جامعه شود.

واژگان کلیدی: حکمرانی خوب، رشد اقتصادی، روش تصحیح خطای برداری، ایران

۱- نویسنده مسئول، استادیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی.

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد بخش عمومی دانشگاه رازی.

۳- دانشجوی کارشناسی‌ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه رازی.

۱- نویسنده مسئول، استادیار گروه اقتصاد دانشگاه رازی.

۲- دانشجوی دکتری اقتصاد بخش عمومی دانشگاه رازی.

۳- دانشجوی کارشناسی‌ارشد اقتصاد انرژی دانشگاه رازی.

مقدمه

در دنیای امروز که شکاف بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه کاملاً قابل درک است، جنبش عظیمی در بین کشورهای جهان برای از بین بردن این شکاف به وجود آمده است. توجه به مقوله رشد و توسعه اقتصادی به سرعت در حال افزایش است. برای رسیدن به رشد و توسعه عوامل بسیاری را می‌توان مؤثر دانست. برای یک برنامه‌ریزی کامل و منسجم درباره رشد هر کشور لازم است که به تمامی عوامل مذکور توجه شود تا بتوان حرکت در مسیر رشدی بلندمدت و متعادل را تا حدودی تضمین کرد. راهکارهای متفاوتی برای رسیدن به رشد اقتصادی وجود دارد که برای انتخاب یکی از آن‌ها به عنوان استراتژی توسعه باید برای هر کدام از آن‌ها، توانایی‌ها، ضعف‌ها و زمینه‌های مورد نیاز و همچنین توانایی‌های اقتصادی هر کشور در اجرای آن سیاست به خوبی بررسی شود تا سیاستی اتخاذ شود که بیشترین هماهنگی را با شرایط جامعه داشته باشد.

در مدل‌های سنتی رشد، کشورها و حتی فناوری‌ها، یکسان فرض می‌شدند. این مدل‌ها ریشه تفاوت رشد اقتصادی در کشورهای مختلف را به نرخ رشد عوامل تولید نسبت می‌دادند. در مرحله بعد اقتصاددانان تلاش نمودند تا با کنترل مدل نسبت به عوامل دیگر، همچون سرمایه انسانی، درجه توسعه‌یافتگی بخش مالی، کیفیت سیاست‌های اقتصاد کلان در کشورهای مختلف، رشد پسماند توضیح داده نشده را به حداقل برسانند (شریف آزاده و حسین‌زاده بحرینی، ۱۳۸۲: ۳).

در این مسیر حتی تفاوت کارکرد تکنولوژی در کشورها و مناطق مختلف موردنظر قرار گرفت؛ ولی باز هم پسماند توضیح داده نشده قابل توجه بود. در سومین مرحله، پژوهشگران توجه خود را به عوامل غیراقتصادی تأثیرگذار بر رشد متمرکز کردند. توجه به عوامل غیراقتصادی به عنوان منشأ دیگری برای ناهمگنی کشورها، این پرسش را مطرح ساخت که چه ارتباطی میان نهادها به‌طور عام و نهادهای سیاسی و اجتماعی به‌طور خاص با رشد وجود دارد. در این زمینه پژوهش‌های وسیعی توسط اقتصاددانان صورت گرفت و نتایج قابل توجهی به دست آمد. موضوعاتی از قبیل؛ میزان نمایندگی دولتمردان از جانب مردم، ثبات سیاسی، میزان ثبات رژیم حاکم و احتمال تداوم سیاست‌های جاری در صورت مرگ و میر یا

تغییر رهبران و دولتمردان، حدود حاکمیت نظم و قانون، خطر بی‌اعتنایی به قراردادهای توسط مردم، فساد در دستگاه‌های اداری و موضوعاتی از این قبیل متغیرهای جدیدی بودند که در این مرحله وارد ادبیات رشد اقتصادی شدند و به تدریج این مفاهیم تحت‌عنوان شاخص‌های حکمرانی خوب^۱ شناخته شدند (نصیرخانی، ۱۳۹۳: ۸۶-۸۷).

حکمرانی خوب مفهوم بسیار گسترده‌ای را در برمی‌گیرد که ناظر بر تعامل مؤثر میان سه رکن: دولت، بازار و نهادهای مدنی است. در نظریه‌ی حکمرانی خوب از دولت به‌عنوان یک نهاد اجتماعی نهادساز یاد می‌شود. به‌طوری‌که این توانایی را دارد تا با ایجاد نهادهای حامی بازار، زمینه‌های رشد اقتصادی را فراهم آورد. تبعاً این دولت تکامل‌یافته به صفات و ویژگی‌های دولت‌های پیشین آراسته است که وی را در انجام وظایف اقتصادی خویش از جمله ارتقای رشد اقتصادی توانمندتر می‌سازد. از این رو در این مقاله تلاش بر آن است، با بررسی میزان تأثیرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر نرخ رشد اقتصادی در ایران با استفاده از روش هم‌انباشتگی^۲ و تصحیح خطای برداری^۳ و در دوره زمانی ۱۳۶۲-۱۳۹۴، مجموعه گسترده‌ای از سیاست‌های اجرایی را مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفته، که آشنایی با آنها می‌تواند در تعیین اصلاحات اقتصادی در حوزه‌های مختلف کشور مؤثر باشد. همچنین با بررسی اجزای حکمرانی خوب می‌توان شاخصی را که بیشترین تأثیر بر رشد اقتصادی ایران دارد، تعیین نمود.

مبانی نظری

چگونگی شکل‌گیری حکمرانی خوب

از هنگام ظهور علم اقتصاد توسعه در سال‌های پس از جنگ جهانی دوم، سیاست‌گذاری توسعه اقتصادی به سه دوره متمایز قابل تفکیک است. نظریه‌پردازان حکمرانی خوب معتقدند کارکرد نظام بازار به‌طور کلی مستلزم ساماندهی روابط کارفرما-کارگزار در همه عرصه‌ها است. ارتباط میان مالک و مدیر، ارتباط میان بنگاه‌ها و روابط درون بنگاه همگی

1- Good governance

2- Johansen-Juselius

3- Vector Error Correction Model

نیازمند ساماندهی روابط کارفرما-کارگزار است. هرکجا پای قرارداد و انتقال اختیارات در میان است، باید دولت شرایط لازم برای انعقاد و اجرای صحیح و کامل قراردادها را تضمین کند (میدری، ۱۳۸۵).

اگر شعار دوره اول را "دولت کوچک" و دوره دوم را "دولت، موتور توسعه" بدانیم، شعار دوره سوم "حکمرانی خوب" است. در واقع در دوره سوم ماهیت مسأله تغییر یافت، در دوره‌های پیشین مسأله ابعاد دولت (بزرگی و کوچکی) آن مطرح بود، اما در این دوره کمیت دولت جای خود را به کیفیت مداخله دولت داده است (میدری و خیرخواهان، ۱۳۸۳).

شاخص حکمرانی، رابطه بین عملکرد حکومت و رضایت از زندگی را اندازه‌گیری می‌کند. این شاخص نشان می‌دهد که چگونه نوع حکومت یک کشور، مستقیماً بر کیفیت زندگی شهروندان تأثیر می‌گذارد. شاخص مذکور به اندازه‌گیری مقدار آزادی یا محدودیت‌های اقتصادی و سیاسی که برای شادی و خشنودی شهروندان ضروری می‌باشد، کمک می‌کند.

شاخص‌های اندازه‌گیری حکمرانی خوب

بانک جهانی، حکمرانی را شیوه استفاده از قدرت در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای دستیابی به توسعه پایدار تعریف می‌کند. مطابق با این تعریف، کشورهای عضو باید به بهبود سازوکارهای تخصیص منابع، فرآیندهای تدوین، انتخاب و اجرای خط‌مشی‌ها و روابط بین شهروندان و حکومت بپردازند. این سازمان، حکمرانی خوب را به عنوان سنت و نهادهایی تعریف می‌کند که توسط آن‌ها قدرت به‌منظور مصلحت عمومی در یک کشور اعمال می‌شود و مشتمل بر سه مؤلفه زیر است:

شکل رژیم سیاسی؛ فرایندی که از طریق آن صاحبان قدرت، انتخاب، نظارت و تعویض می‌شوند که در مورد این مؤلفه دو شاخص حق اظهارنظر و پاسخگویی^۱ و ثبات سیاسی و عدم خشونت^۲ مطرح هستند.

1- Voice and Accountability

2- Political Instability and Violence

فرآیند اعمال اقتدار در مدیریت منابع اقتصادی و اجتماعی برای توسعه؛ ظرفیت و توانایی دولت برای اداره کارآمد منابع و اجرای سیاست‌های درست مؤلفه دوم است که دو شاخص اثربخشی دولت^۱ و نیز بار مالی مقررات^۲ را شامل می‌شوند.

ظرفیت حکومت برای طراحی و تدوین و اجرای خط‌مشی‌ها و وظایف اجرایی؛ احترام شهروندان و دولت به نهادهایی که تعاملات اجتماعی و اقتصادی میان آنها را اداره می‌کند مؤلفه سوم است که دو شاخص حاکمیت قانون^۳ و کنترل فساد^۴ را در بر می‌گیرد.

در این تعریف هر اندازه ویژگی‌های مثبت مانند حاکمیت قانون، پاسخ‌گویی و اثربخشی دولت در یک جامعه بیشتر باشد و فساد، مقررات اضافی و بی‌ثباتی سیاسی و خشونت کمتر باشد، حکمرانی در آن جامعه برای نیل به توسعه مناسب‌تر است (برادران شرکاء و ملک الساداتی، ۱۳۸۷: ۳۲).

حکمرانی خوب و رشد اقتصادی

پیش از این اشاره شد که دولت مورد نظر تئوری حکمرانی خوب به صفات و ویژگی‌هایی متمایز از ویژگی‌های دولت پیشین آراسته است که وی را در انجام وظایف اقتصادی خویش، از جمله رشد اقتصادی توانمندتر می‌سازد. در این پژوهش نیز با استفاده از شاخص‌های معرفی شده توسط بانک جهانی از حکمرانی خوب تلاش می‌شود با کمک تئوری‌های اقتصادی، ارتباط هریک از شاخص‌ها را با عملکرد و رشد اقتصادی بررسی نمود:

حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی و رشد اقتصادی

حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی ناظر بر وجود آزادی‌های سیاسی، آزادی مطبوعات و انتشار آزاد اطلاعات است که به شهروندان قدرت می‌بخشد و می‌تواند اعمال دولت‌ها را تحت نظارت و کنترل داشته باشند. آزادی شهروندان برای اظهارنظر و پاسخ‌گویی دولتمردان به چندین روش می‌تواند مؤثر واقع شود:

1- Government Effectiveness

2- Regulatory Burden

3- Rule of Law

4- Corruption

انباشت سرمایه فیزیکی: رودریک^۱ (۱۹۹۹) چنین استدلال می‌کند که با فرض ثبات سایر شرایط، اعتراضات گسترده اتحادیه‌ها و تشکل‌های کارگری، سطح دستمزدها را بالا برده و از این طریق نرخ بازگشت سرمایه را کاهش می‌دهد. که این خود کاهش انگیزه سرمایه‌گذاری برای سرمایه‌گذاران بخش خصوصی را در پی دارد. اما برخلاف این ادعا کلاگو^۲ (۱۹۹۶) معتقد است که نه تنها این اثر بسیار ناچیز است، بلکه علاوه بر آن آزادی شهروندان برای اظهارنظر و پاسخ‌گویی دولت‌مردان، امنیت حقوق مالکیت و ضمانت اجرای قراردادهای افزایش داده و بنابراین با کاهش ریسک و نااطمینانی، نرخ بازگشت سرمایه افزایش می‌یابد.

انباشت سرمایه انسانی: انجرمن^۳ (۱۹۹۹) معتقد است در جوامعی که شهروندان آزادی‌های مدنی بیشتری برخوردارند، حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای اولیه مردم پاسخگوتر هستند و سیاست‌هایی را انتخاب خواهند کرد که انباشت سرمایه انسانی را افزایش می‌دهد. ارتقاء سرمایه انسانی از یک‌سو با سطوح بالاتر تولید در ارتباط است و از سوی دیگر تقاضا برای دموکراسی را افزایش می‌دهد. که این خود موجب پاسخگوتر شدن حکومت‌ها می‌شود.

جلوگیری از انتخاب بد^۴: حکمرانان با توجه به مشروعیت قانونی اعمال قدرت، به طور طبیعی گرایش دارند در جهت تأمین منافع گروه‌های خاص و به زبان عموم افراد جامعه سیاست‌های اختلال‌زایی اجرا نمایند که این امر تخصیص ناکارآمد منابع را در پی دارد.

ایجاد ثبات سیاسی: یکی از مهمترین مؤلفه‌های نظام دموکراسی تأمین قوانین روشن و شفاف برای تعویض سیاستمداران حاکم بر قدرت است. تشویق مباحثات آزاد در مورد انتخاب سیاستمداران و سیاست‌ها، امکان براندازی قدرت حاکم را با ابزارهای نامشروعی چون کودتا، شورش از بین می‌برد. السینا^۵ (۱۹۹۶) چنین جوامعی را برخوردار از تغییرات

1- Rodrik

2- Clague

3- Engerman

4- Adverse Selection

5- Alesina

سیاستی پیش‌بینی‌پذیرتری نسبت به نظام‌های خودکامه می‌داند که این امر با کاهش ریسک سرمایه‌گذاری، موجب افزایش سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی می‌شود.

ثبات سیاسی و رشد اقتصادی

بارو^۱ (۱۹۹۱) معتقد است، درگیری‌های جناحی، ترور سیاسی، کودتا و پدیده‌هایی مانند آن با از بین بردن امنیت حقوق مالکیت موجب افزایش ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی یک کشور گردیده و به تبع آن کاهش سرمایه‌گذاری داخلی و خارجی و رشد اقتصادی را به دنبال دارد.

بار مالی مقررات و رشد اقتصادی

قوانین و مقررات اختلال‌زا در مسیر راه‌اندازی یک کسب‌وکار به اشکالی چون مجوزها و موافقت‌نامه‌های دولتی دست و پا گیر، قوانین و مقررات ناظر بر فعالیت بنگاه‌های خصوصی چون قانون کار، محدودیت‌های تجاری، بار مالیاتی بالا و غیره هزینه اولیه پروژه‌های سرمایه‌گذاری را افزایش می‌دهد که اگر این هزینه‌ها به اندازه کافی بزرگ باشد، کارآفرینان عقلانی ممکن است از سرمایه‌گذاری دست بکشند (اسویلتنا^۲، ۲۰۰۰: ۳۳).

اثر بخشی دولت و رشد اقتصادی

واضح است که کارآفرینان عقلانی و ریسک‌گریز، چنانچه با بوروکراسی غیرقابل پیش‌بینی و فاسدی مواجه شوند، از سرمایه‌گذاری بلندمدت در کارخانه و تجهیزات اجتناب خواهند کرد و نامحتمل است که به سرمایه‌گذاری تکمیلی بخش عمومی بپردازند. به همین سیاق به نظر می‌رسد که آگاهی مشترک از بوروکراسی دولتی به منزله جزئی قابل پیش‌بینی، کوچک شده و متعهد به رشد بلندمدت سرمایه‌گذاری را کم مخاطره‌تر سازد (ایوانز و جیمز، ۱۳۸۵: ۱۹۴).

1- Barro

2- Sviltana

حاکمیت قانون و رشد اقتصادی

حاکمیت قانون معرف میزان احترام قائل شده توسط شهروندان و دولتمردان یک کشور برای نهادهایی است که با هدف وضع قوانین، اجرای آنها و حل اختلافات ایجاد شده‌اند. بنابر این تعریف زمانی می‌توان ادعا کرد که در یک جامعه قانون حاکم است که سه شرط تأمین شده باشد: شرط اول: حمایت از افراد در مقابل دزدی، خشونت و دیگر اقدام‌های غارتگری است. شرط دوم: حمایت در مقابل اقدام‌های خودسرانه دولتی است که فعالیت‌های اقتصادی را مختل می‌کند و شرط سوم وجود نظام قضایی قابل پیش‌بینی و منصف است. تضمین حقوق مالکیت و حسن اجرای قراردادهای کلیدی برای هدایت صحیح منابع به سرمایه‌گذاری‌های مولد و جلوگیری از اتلاف آن در فعالیت‌های رانت جویانه است و ناتوانی یک جامعه در فراهم آوردن سازوکارهایی برای تضمین قراردادهای به شیوه‌ای کارا و کم هزینه، یکی از مهم‌ترین دلایل رکودهای تاریخی و همین‌طور توسعه نیافتگی‌های کشورهای جهان سوم است (گزارش توسعه جهانی، ۲۰۰۲).

فساد و رشد اقتصادی

ادبیات نظری پیرامون ارتباط میان پدیده فساد و رشد اقتصادی را می‌توان به دو گروه تقسیم کرد: گروه اول تئوری‌هایی هستند که معتقدند فساد قادر است از طریق دور زدن قوانین و مقررات ناکارآمد و انعطاف ناپذیر تحمیل شده توسط دولت، کارآرایی و رشد اقتصادی را ارتقاء دهد. گروه دوم: تئوری‌هایی هستند که فساد را به مثابه نیرویی می‌دانند که به عملکرد مناسب بازارها آسیب می‌رساند و از این رهگذر موجبات کاهش رشد اقتصادی را فراهم می‌آورد (لف، ۱۹۶۴: ۸).

مروری بر مطالعات تجربی انجام شده

مطالعات خارجی

در زمینه بررسی حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی مطالعات مختلفی صورت گرفته است که در این قسمت به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود. مایور^۱ (۱۹۹۵)، کلاگیو (۱۹۹۷)، آلسینا (۱۹۹۸)، لاپور و همکاران^۲ (۱۹۹۸)، کناک^۳ (۲۰۰۳)، فنگ^۴ (۲۰۰۳) و کناک و کیفر^۵ (۲۰۰۳)، رابطه مثبت و معناداری را میان شاخص‌های حکمرانی خوب که آن را شاخص کیفیت نهادی نامیدند با رشد اقتصادی اثبات نمودند. این مطالعات نشان می‌دهد بهبود حاکمیت قانون و کنترل فساد، اثرات مستقیمی بر توسعه اقتصادی و توسعه انسانی خواهد داشت.

در مطالعه گیلبرت^۶ (۲۰۰۳)، موضوع مورد بررسی اهمیت حکمرانی خوب، کیفیت نهادها در دستیابی به رشد و توسعه اقتصادی در کشورهای مختلف می‌باشد. در این مطالعه با استفاده از داده‌های تلفیقی در دوره زمانی ۱۹۹۷-۲۰۰۰ برای ۱۰۲ کشور نتیجه‌گیری می‌شود که ارتباط مستقیم و معناداری میان شاخص‌های کیفیت مقررات و کارایی دولت به عنوان جانشینی برای شاخص حکمرانی خوب و عملکرد خوب و عملکرد اقتصادی که به وسیله نرخ رشد درآمد اندازه‌گیری می‌شود، وجود دارد.

هوینه و همکاران^۷ (۲۰۰۹)، با استفاده از روش‌های غیرپارامتری، به بررسی تجربی رابطه بین رشد و حکمرانی پرداخته‌اند، آن‌ها از شش شاخص محاسبه شده توسط بانک جهانی و به صورت مجزا به بررسی رابطه بین آن‌ها و رشد اقتصادی پرداخته‌اند. نتایج نشان داد که تنها سه شاخص از شش شاخص محاسبه شده یعنی حق اظهارنظر و پاسخگویی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون رابطه معناداری با رشد اقتصادی دارند و این رابطه به صورت

1- Mauro and keefer

2- La Porto et al.

3- Knack

4- Feng

5- Knack and keefer

6- Gilbert Niyongabo

7- Huynh et al.

غیرخطی می‌باشد، از طرف دیگر سه شاخص اثربخشی حکومت، کیفیت قوانین و مقررات و کنترل فساد، تأثیر معناداری بر رشد اقتصادی ندارند.

فتاس و میهوف^۱ (۲۰۱۱)، تنها از شاخص بی‌ثباتی سیاسی برای اندازه‌گیری کیفیت نهادی در کشورهای منتخب جهان در سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۷ استفاده کردند و الگوی خود را به روش داده‌های تابلویی تخمین زدند و به تأثیر منفی بی‌ثباتی سیاسی بر رشد اقتصادی این کشورها رسیدند.

فایسا و نسیا^۲ (۲۰۱۳)، در مطالعه خود نشان دادند که حکمرانی خوب به تفاوت‌های بین ۳۹ کشور منطقه جنوب آفریقا کمک می‌کند و در نتیجه نقش حکمرانی خوب در رشد اقتصادی به سطح درآمد بستگی دارد.

هیوانگ و هو^۳ (۲۰۱۷)، در مطالعه‌ای تحت عنوان "حکمرانی و رشد اقتصادی در آسیا" به بررسی رابطه علیت گرنجری بین حکمرانی و رشد اقتصادی در ۱۲ کشور آسیایی در طی دوره زمانی ۲۰۱۴-۱۹۹۶ پرداختند. کشورهای مورد بررسی در این مطالعه به سه گروه کشورهای آزاد، تا حدودی آزاد و غیر آزاد تقسیم شدند. نتایج تجربی این مطالعه نشان داد که به غیر از کره جنوبی، کشورهای آزاد هیچ رابطه علیت از حکمرانی به رشد اقتصادی ندارند. برای کشورهای تا حدودی آزاد به غیر از اندونزی و تایلند، نقش حاکمیت قانون دارای رابطه علیت با رشد اقتصادی است. کشورهای غیر آزاد نیز، رابطه علیت معناداری از حکمرانی و به خصوص اثربخشی دولت و حاکمیت قانون به رشد اقتصادی دارند.

مطالعات داخلی

برادران شرکاء و ملک السادات (۱۳۸۳)، طی پژوهشی با عنوان "تأثیر حکمرانی خوب (بر اساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی" در ۳۰ کشور منتخب طی سال‌های ۲۰۰۵-۱۹۹۶ می‌پردازند. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد که نه تنها حکمرانی خوب بر اساس میانگین موزون شش شاخص حکمرانی تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارد، بلکه

1- Fatas and Mihov

2- Fayissa and Nsiah

3- Huang and Ho

علاوه بر آن، هر یک از سه گروه مؤلفه‌های حکمرانی خوب نیز، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی دارند.

کمیجانی و سلاطین (۱۳۸۷)، مطالعه‌ای را تحت عنوان "تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD در طی سال‌های ۲۰۰۷-۱۹۹۶"، منتشر کردند، سپس دریافتند ارتباط مثبت و معناداری میان شاخص کیفیت حکمرانی و رشد اقتصادی در هر دو گروه وجود دارد، تأثیرگذاری شاخص کیفیت حکمرانی بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای عضو OPEC بیشتر از گروه کشورهای عضو OECD می‌باشد و همچنین شاخص ثبات سیاسی در گروه کشورهای عضو OPEC و شاخص کنترل فساد در گروه کشورهای عضو OECD دارای بیشترین تأثیر بر نرخ رشد اقتصادی می‌باشند.

جعفری صمیمی و آذرمنند (۱۳۸۴)، در مطالعه‌ای تأثیر آزادی اقتصادی، ثبات سیاسی و حاکمیت قانون بر رشد اقتصادی را در کشورهای منتخب جهان به روش حداقل مربعات معمولی تخمین زدند. نتایج تحقیق آنها به تأثیر مثبت و معنی‌دار سه شاخص منجر شده است.

عیسی‌زاده و احمدزاده (۱۳۸۸)، از میانگین شش شاخص حکمرانی خوب برای کشورهایی با سطوح مختلف توسعه استفاده کردند و پس از تخمین به روش حداقل مربعات معمولی به تأثیر معنی‌دار تمام زیرشاخص‌های حکمرانی خوب به جز حق اظهارنظر و پاسخگویی برای تمام کشورها دست یافتند.

ندیری و محمدی (۱۳۹۰)، از شاخص حکمرانی خوب برای بررسی تأثیر نهادها بر رشد کشورهای مختلف جهان به روش داده‌های تابلویی پویا استفاده کردند. نتایج تحقیق آنها نشان‌دهنده تأثیرگذاری نهادها بر رشد اقتصادی کشورها در سطح جهان به جز کشورهای نفتی است.

متفکرآزاد و همکاران (۱۳۹۲)، در مطالعه‌ای به بررسی تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی ۷۴ کشور دنیا در سال ۲۰۰۸ پرداختند. آنها با استفاده از مدل کاب-

داگلاس، تولید ناخالص داخلی را تابعی از نحوه حکمرانی، سرمایه فیزیکی، نیروی کار و سرمایه انسانی دانسته و نتایج مطالعه آن‌ها دال بر تأثیر مثبت حکمرانی خوب بر تولید است.

نصیرخانی (۱۳۹۳)، در مطالعه‌ای با عنوان "تأثیر حکمرانی خوب به‌عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی"، با استفاده از داده‌های آماری ایران و کشورهای اسلامی منتخب طی دوره ۲۰۱۲-۱۹۶۰، نشان دادند که در طول زمان با افزایش کیفیت حکومت به میزان یک درصد، رشد پنج درصدی تولید ناخالص داخلی برای کشورهای مورد مطالعه دارد و متغیرهای تحقیق می‌توانند ۳۵ درصد از تغییرات نرخ رشد تولید ناخالص داخلی را توضیح دهند.

شاکری و همکاران (۱۳۹۴)، مقاله‌ای با موضوع "کیفیت نهادی و بررسی رابطه آن با رشد اقتصادی سرانه در خاورمیانه و شمال آفریقا با استفاده از داده‌های تابلویی در دوره زمانی ۲۰۱۰-۲۰۰۲" منتشر کردند. نتایج حاصل از تخمین الگوهای رشد نشان می‌دهد، کیفیت بروکراسی رابطه مثبت و معناداری با رشد دارد. ثبات سیاسی و کنترل فساد رابطه منفی و اثربخشی دولت، حق اظهارنظر و پاسخ‌گویی و حاکمیت قانون رابطه مثبت اما بی‌معنی را نشان می‌دهند.

نتایج کلی حاصل از مطالعات داخلی و خارجی نشان می‌دهد:

موضوع حکمرانی خوب در عملکرد بلندمدت رشد اقتصادی حائز اهمیت است، به‌گونه‌ای که ارتباط مثبت و مستقیمی میان حکمرانی خوب و رشد بلندمدت اقتصادی وجود دارد.

توانایی دولت در فراهم ساختن نهادهای پشتیبان رشد و کاهش فقر و ایجاد حکمرانی خوب، امری حیاتی برای توسعه است.

حکمرانی ضعیف، کارایی و بهره‌وری مخارج عمومی را کاهش می‌دهد و فساد و رشوه‌خواری را افزایش می‌دهد و مانع سرمایه‌گذاری خصوصی و رشد اقتصادی می‌شود.

بنابراین هدف اصلی این پژوهش نیز بر این اصل قرار گرفت که اثرات شاخص‌های شش‌گانه حکمرانی خوب را به تفکیک بر رشد اقتصادی ایران مورد بررسی قرار دهد. تمایز

این مطالعه با مطالعات انجام شده، در بعد زمانی و مکانی پژوهش و همچنین روش اقتصادسنجی است. تاکنون مطالعاتی که انجام شده، به روش داده‌های تابلویی و برای کشورهای منتخب بوده است. ولی در این پژوهش با توجه به دوره زمانی انتخابی تلاش شده است، اثرات شاخص‌های حکمرانی بر رشد اقتصادی تنها برای کشور ایران در بلندمدت محاسبه شود. مسلماً تمرکز نتایج بر یک کشور و تعیین اثرات شاخص‌های حکمرانی بر رشد اقتصادی به تفکیک، می‌تواند نتایج کاربردی‌تری جهت سیاست‌گذاری‌ها ارائه نماید.

معرفی داده‌ها و برآورد مدل

در واقع نحوه حکمرانی در یک کشور در بسیاری از موارد در ارتباط مستقیم با نهادهای موجود در یک کشور می‌باشد، با در نظر گرفتن پژوهش‌های مختلفی که در زمینه درج عوامل نهادی همچون نوع حاکمیت در توابع تولید و رشد اقتصادی انجام گرفته و با توجه به مبانی نظری ارائه شده، مدل مورد استفاده در این پژوهش براساس مطالعات کی و همکاران^۱ (۲۰۱۱) و هیوانگ و هو (۲۰۱۷) می‌باشد. بر این اساس معادله (۱) تصریح می‌شود:

$$\begin{aligned} \Delta GDP_t = & \phi_0 + \sum_{j=1}^p \phi_{1j} \Delta GGG_{t-j} + \\ & \sum_{j=1}^p \phi_{2j} \Delta OPENESS_{t-j} + \sum_{j=1}^p \phi_{3j} \Delta TAX_{t-j} + \sum_{j=1}^p \phi_{4j} \Delta INF_{t-j} + \\ & \sum_{j=1}^p \phi_{5j} \Delta GFCF_{t-j} + \sum_{j=1}^p \phi_{6j} \Delta EM_{t-j} + \\ & \sum_{j=1}^p \phi_{7j} \Delta GGE_{t-j} + \phi_8 ECT_{1t-1} + \varepsilon_{1t} \end{aligned} \quad (1)$$

به طوری که،

GDP_i : رشد اقتصادی به صورت تغییرات تولید ناخالص داخلی طی دو دوره محاسبه و برحسب درصد می‌باشد.

1- Ke et al.

GG_i : شاخص‌های حکمرانی خوب شامل؛ کنترل فساد (CC_i)، اثربخشی دولت (GE_i) ثبات سیاسی و نبود خشونت (PS_i)، کیفیت مقررات (RQ_i)، حاکمیت قانون (RL_i)، پاسخگویی و اظهار نظر (VA_i) و میانگین حسابی کل شاخص‌ها ($total_i$) که هر کدام از این شاخص‌ها در مدل‌های جداگانه‌ای برآورد می‌شوند.

$OPENESS_i$: شاخص بازبودن تجاری که به صورت نسبت مجموع صادرات و واردات به تولید ناخالص داخلی محاسبه شده است و برحسب درصد می‌باشد.

TAX_i : درآمدهای مالیاتی برحسب میلیارد ریال و براساس شاخص قیمت سال ۱۳۹۰ واقعی شده است.

INF_i : نرخ تورم برحسب درصد و به قیمت ثابت سال پایه ۱۳۹۰

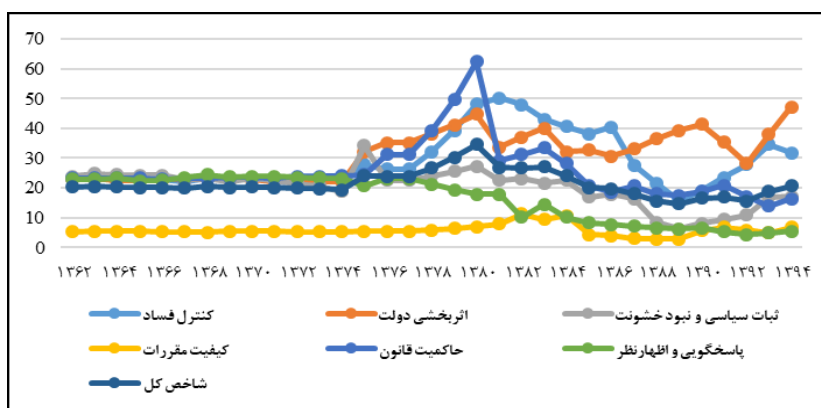
$GFCF_i$: تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به صورت درصدی از تولید ناخالص داخلی

EMI : نرخ اشتغال که به صورت سهم شاغلان به نیروی کار محاسبه شده و برحسب درصد می‌باشد. GGE_i : مخارج واقعی دولت به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ و برحسب میلیارد ریال.

ε_i و C به ترتیب جمله اخلال و عرض از مبدأ مدل برآوردی می‌باشند. لازم به ذکر است متغیرهای مورد استفاده در این پژوهش به صورت سالانه و از منابع معتبر آماری همچون بانک جهانی (شاخص‌های حکمرانی) و اطلاعات سری زمانی بانک مرکزی (سایر متغیرها) گردآوری شده است و مربوط به سال‌های ۱۳۹۴-۱۳۶۲ می‌باشد.

شکل ۱، روند شاخص‌های حکمرانی را در طی دوره زمانی مورد بررسی نشان می‌دهد، از سال ۱۳۶۲ تا ۱۳۷۴ روند شاخص‌های حکمرانی ثابت بوده ولی از سال ۱۳۷۵ به بعد این شاخص‌ها دچار نوسانات افزایشی و کاهشی شدند. به طوری که بالاترین میزان کنترل فساد در سال ۱۳۸۱، اثربخشی دولت در سال ۱۳۹۴، ثبات سیاسی در سال ۱۳۸۰، کیفیت مقررات در سال ۱۳۷۷، حاکمیت قانون در سال ۱۳۸۰، پاسخگویی و اظهار نظر در سال ۱۳۷۷ می‌باشد. میانگین حسابی از این شاخص‌ها نیز در سال ۱۳۸۰ بالاترین میزان را به خود

اختصاص داده است. در سال ۱۳۹۴ از بین شاخص‌های حکمرانی، اثربخشی دولت بالاترین رتبه را داشته است و پایین‌ترین رتبه مربوط به پاسخگویی و اظهارنظر بوده است.



شکل شماره ۱: روند سری زمانی شاخص‌های حکمرانی خوب در ایران

یافته‌های پژوهش

بررسی مانایی متغیرها

در روش‌های سری‌زمانی گام نخست بررسی مانایی متغیرها می‌باشد. با توجه به نامانایی اکثر سری‌های زمانی در اقتصاد کلان، بکارگیری اقتصادسنجی متداول برای تحلیل کمی روابط اقتصادی تردیدآمیز جلوه می‌کند. در واقع نامانایی سری‌های زمانی (داشتن ریشه واحد) ممکن است منجر به رگرسیون کاذب شود. لذا قبل از تحلیل‌های هم‌انباشتگی، ابتدا خواص مانایی کلیه متغیرهای مدل بوسیله روش‌های دیکی-فولر تعمیم یافته^۱ (ADF) و فیلپس-پرون^۲ (PP) آزمون می‌شود.

1- Augmented Dickey-Fuller Test

2- Phillips-Perron Test

جدول شماره ۱: نتایج آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته (با عرض از مبدأ و روند)

متغیرها	آزمون دیکی-فولر تعمیم یافته				آزمون فیلیپس-پرون			
	آماره ADF	مقدار بحرانی ۱٪	مقدار بحرانی ۵٪	مقدار بحرانی ۱۰٪	آماره PP	مقدار بحرانی ۱٪	مقدار بحرانی ۵٪	مقدار بحرانی ۱۰٪
CC	-۲/۰۴۹۶	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۱/۷۷۲۰	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(CC)	-۴/۹۳۶۰	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۳/۲۵۹۱	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
GE	-۱/۷۰۲۰	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۵۳۸۱	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(GE)	-۵/۷۹۲۰	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۴/۷۶۵۶	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
PS	-۱/۶۳۱۰	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۸۰۲۸	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(PS)	-۴/۰۷۲۷	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۷/۵۷۷۹	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
RQ	-۱/۶۹۷۳	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۴۶۹۱	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(RQ)	-۵/۴۷۰۵	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۵/۹۲۶۷	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
RL	-۲/۸۸۰۴	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۱۵۳۳	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(RL)	-۶/۱۱۶۴	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۶/۴۰۷۶	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
VA	-۱/۸۷۷۹	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۲۰۲۲	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(VA)	-۵/۷۲۵۲	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۸/۱۹۰۹	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
TOTAL	-۱/۸۲۵۹	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۱/۷۱۴۴	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(TOTAL)	-۵/۳۸۴۳	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۴/۹۱۶۸	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
GDP	-۴/۰۱۹۵	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۴/۰۹۷۲	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
OPENESS	-۰/۹۵۳۵	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۷۹۸۴	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(OPENESS)	-۷/۰۹۶۱	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۴/۱۶۹۲	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
TAX	-۳/۳۷۲۶	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۲۴۳۱	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(TAX)	-۴/۷۶۳۷	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۴/۶۹۷۵	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
INF	-۳/۱۸۳۵	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۶۳۳۶	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(INF)	-۵/۸۰۵۱	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۱۰/۱۲۵۷	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
GFCF	-۴/۶۷۱۳	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۴/۳۰۹۹	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
EM	-۲/۴۸۸۸	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۴۸۸۸	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(EM)	-۵/۶۰۲۵	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۵/۶۰۶۶	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲
GGE	-۲/۸۵۲۳	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳	-۲/۰۱۵۳	-۴/۲۷۳۲	-۳/۵۵۷۷	-۳/۲۱۲۳
D(GGE)	-۵/۲۲۱۶	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲	-۵/۲۵۲۴	-۴/۲۸۴۵	-۳/۵۶۲۸	-۳/۲۱۵۲

با توجه به جدول ۱، نتایج آزمون‌های مانایی نشان می‌دهد که در هر دو روش ADF و PP، تمامی متغیرهای مدل به غیر از رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه ثابت، با یک دوره تفاضل مانا شده‌اند. متغیرهای رشد اقتصادی و تشکیل سرمایه ثابت به ترتیب در سطح ۹۵ و ۹۹ درصد مانا بودن آن‌ها تأیید شده است. به عبارتی قدرمطلق مقدار آماره محاسبه شده برای آن‌ها در سطح از قدر مطلق مقادیر بحرانی بزرگتر شده و بنابراین دارای میانگین، واریانس و ساختار خودکواریانس ثابت هستند.

با توجه به اینکه ترکیبی از متغیرهای $I(0)$ یا $I(1)$ وجود دارد، بایستی به منظور بررسی عدم وجود رگرسیون کاذب و وجود رابطه بلندمدت، هم‌انباشتگی بین متغیرها نیز مورد بررسی قرار گیرد.

تعیین و شناسایی بردار هم‌انباشتگی

از آنجایی که یکی از مسائل مهم در برآورد الگوی تصحیح خطای برداری تعیین تعداد وقفه‌های مناسب در این الگوست تا تضمین کند که جملات خطای مربوط به الگو، نوفه سفید و در نتیجه، پایا هستند (ابریشمی و مهرآرا، ۱۳۸۸، ۱۲۷). لذا ابتدا تعداد وقفه‌های مناسب براساس معیار شوارتز بیزین تعیین شده است. براساس نتایج این آزمون، وقفه یک به عنوان وقفه بهینه در تمامی مدل‌ها تعیین گردیده است. پس از مشخص شدن تعداد وقفه‌های بهینه در الگوها و شناسایی درجه انباشتگی متغیرها، با استفاده از روش یوهانسون-یوسیلیوس به بررسی رابطه بلندمدت بین متغیرها پرداخته می‌شود. به دلیل ازدیاد جداول مربوط به بردارهای هم‌انباشتگی برای هر کدام از شاخص‌های حکمرانی، در جدول ۲ تنها به نتایج آزمون هم‌انباشتگی در مدل شاخص کلی حکمرانی پرداخته می‌شود. لازم به ذکر است در تمامی مدل‌ها وجود چهار بردار هم‌انباشتگی بین متغیرها تأیید شده است.

جدول شماره ۲: آزمون‌های اثر و حداکثر مقدار ویژه برای برآورد تعداد بردارهای هم‌انباشتگی در مدل TOTAL

آزمون حداکثر مقدار ویژه				آزمون اثر			
فرضیه مخالف صفر	فرضیه مخالف	آماره آزمون	مقدار بحرانی ٪۹۵	فرضیه صفر	فرضیه مخالف	آماره آزمون	مقدار بحرانی ٪۹۵
$r = 0$	$r = 1$	۷۸/۱۹۳۵	۵۲/۳۶۲۶	$r = 0$	$r = 1$	۲۷۴/۰۳۸۰	۱۵۹/۵۲۹۷
$r \leq 1$	$r = 2$	۶۹/۶۸۵۲	۴۶/۲۳۱۴	$r \leq 1$	$r = 2$	۱۹۵/۸۴۴	۱۲۵/۶۱۵۴
$r \leq 2$	$r = 3$	۵۵/۶۹۷۳	۴۰/۰۷۷۵	$r \leq 2$	$r = 3$	۱۲۶/۱۵۹۲	۹۵/۷۵۳۶
$r \leq 3$	$r = 4$	۳۹/۰۱۰۱	۳۳/۸۷۶۸	$r \leq 3$	$r = 4$	۷۰/۴۶۱۸	۶۹/۸۱۸۸
$r \leq 4$	$r = 5$	۱۷/۲۰۸۸	۲۷/۵۸۴۳	$r \leq 4$	$r = 5$	۳۱/۴۵۱۶	۴۷/۸۵۶۱

براساس هر دو آماره اثر λ_{trace} و حداکثر ویژه λ_{max} می‌توان وجود چهار بردار هم‌انباشتگی را بین متغیرهای مدل نتیجه گرفت. براساس قضیه نمایش گرنجر^۱، رابطه تعادلی بلندمدت، مستلزم وجود سازوکار یا الگوهای تصحیح خطا است. در واقع، سازوکارهای تصحیح خطا حصول به رابطه بلندمدت را تضمین می‌کنند. بنابراین، روند تغییرات کوتاه‌مدت متغیرها در نهایت به همگرایی بلندمدت منجر می‌شود و می‌توان برای مشاهده روند تغییرات کوتاه‌مدت، الگوی VECM را تشکیل داد.

برآورد روابط بلندمدت متغیرها و نرمال‌سازی بردار هم‌انباشته

پس از تعیین نوع الگو و تعداد بردارهای هم‌انباشته، گام بعدی گزارش بردار هم‌انباشته‌ای است که بتواند روابط بلندمدت متغیرها را با توجه به نظریه‌های اقتصادی و علایم مورد انتظار متغیرها بیان کند.

برای تفسیر نتایج تخمین می‌بایست ضریب متغیر وابسته برابر یک باشد، اما ضریب متغیر وابسته معادلات تخمین زده شده از طریق روش یوهانسون برابر یک نیست، از این رو می‌توان با تقسیم تمام ضرایب متغیرهای وابسته و مستقل بر ضریب تخمینی متغیر وابسته، ضرایب تخمینی را نرمالیزه نمود. بردار نرمالیزه شده بایستی از نظر علامت ضرایب، متناسب با تئوری‌های اقتصادی بوده و همچنین ضرایب متغیرهای توضیحی به لحاظ آماری معنی‌دار

باشند. نتایج تخمین بیانگر این است که متغیرهای مدل همگرا هستند و رابطه تعادلی بلندمدت با یکدیگر دارند. در نهایت، روابط بلندمدت میان متغیرها در مدل‌های برآوردی را با استفاده از روش یوهانسون که در بلندمدت عرض از مبدأ اعمال نمی‌شود، می‌توان به صورت جدول ۳ گزارش نمود.

جدول شماره ۳: نتایج برآورد مدل‌ها در بلندمدت

متغیرها	مدل شاخص کنترل فساد	مدل شاخص اثربخشی دولت	مدل شاخص ثبات سیاسی	مدل شاخص کیفیت مقررات	مدل شاخص حاکمیت قانون	مدل شاخص پاسخگویی واظهارنظر	مدل شاخص کل
GG	۰/۰۸ ×(۳/۳۲)	۰/۰۹ ×(۲/۶۲)	۰/۱۰ ×(۲/۲۳)	۰/۱۹ ×(۴/۰۰)	۰/۰۵ ×(۲/۵۷)	۰/۰۱ ×(۲/۷۸)	۰/۰۲ ×(۱۰/۹۴)
Openness	-۲/۴۲ ×(-۱۷/۵۶)	-۰/۴۹ ×(-۳/۷۳)	۴/۹۲ (۰/۱۸)	-۲/۲۷ ×(-۱۱/۱۰)	-۱/۲۷ ×(-۲۵/۰۸)	-۱/۲۱ ×(-۲۵/۴۴)	-۱/۷۵ ×(-۱۷/۲۷)
TAX	۰/۰۰۹ ×(۶/۴۳)	۰/۰۰۱ ×(۲/۷۰)	۰/۰۲ ×(۳/۵۵)	۰/۰۱ ×(۲/۸۳)	۰/۰۰۳ ×(۳/۸۵)	۰/۰۰۲ ×(۳/۱۸)	۰/۰۰۱ ×(۴/۶۲)
INF	۱/۱۳ ×(۱۱/۶۶)	- -	-۳/۲۸ ×(-۷/۱۸)	- -	- -	- -	۰/۹۳ ×(۱۱/۰۳)
GFCF	۱/۶۹ ×(۱۰/۳۱)	۱/۷۹ ×(۳/۴۹)	-۲/۱۲ ×(-۲/۹۷)	۵/۱۴ ×(۱۳/۸۲)	۰/۴۳ ×(۱۲/۳۹)	۰/۲۳ ×(۱۰/۹۴)	۰/۹۱ ×(۶/۵۵)
EM	۳/۷۵ ×(۵/۲۶)	۱/۱۴ ×(۱۰/۴۴)	۱۹/۹۹ ×(۶/۶۴)	۳/۰۷ ×(۱۰/۸۵)	۰/۶۶ ×(۳/۷۹)	۰/۵۵ ×(۲/۱۰)	۱/۴۱ ×(۲/۵۸)
GGE	۰/۰۰۶ ×(۱۰/۱۴)	۰/۰۰۲ ×(۳/۳۲)	-۰/۰۱ ×(-۷/۶۵)	۵/۱۴ ×(۳/۳۱)	۰۰۲ ×(۷/۰۲)	۰/۰۰۲ ×(۶/۸۵)	۰/۰۰۴ ×(۸/۵۰)

اعداد داخل پرانتز بیانگر آماره t می‌باشد. * معناداری در سطح ۱٪ را نشان می‌دهد. همچنین GG نمادی از شاخص‌های حکمرانی در هر مدل است.

با توجه به جدول ۳، در بلندمدت همه شاخص‌های حکمرانی تأثیر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارند. به طوری با افزایش یک درصد در شاخص‌های کنترل فساد، اثربخشی دولت، ثبات سیاسی، کیفیت مقررات، حاکمیت دولت، پاسخگویی و اظهارنظر و شاخص کلی حکمرانی، رشد اقتصادی به ترتیب ۰/۰۸، ۰/۰۹، ۰/۱۰، ۰/۱۹، ۰/۰۵، ۰/۰۱ و ۰/۰۲ درصد افزایش می‌یابد. بر این اساس شاخص کیفیت مقررات بیشترین تأثیر را بر رشد اقتصادی

ایران در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۲ دارد و کمترین تأثیر مربوط به شاخص پاسخگویی و اظهارنظر است.

می‌توان گفت با افزایش آزادی‌های سیاسی، آزادی مطبوعات و انتشار آزاد اطلاعات به عنوان حقوق ناظر بر اظهارنظر و پاسخگویی، در بلندمدت می‌توان انتظار داشت که شهروندان این قدرت را دارند که اعمال دولت‌ها را تحت نظارت و کنترل داشته باشند و همین باعث می‌شود حکومت‌ها نسبت به تأمین نیازهای مردم پاسخگوتر باشند و سیاست‌هایی را انتخاب کنند که منجر به ارتقاء سرمایه انسانی، سرمایه‌گذاری در مخارج عمومی جامعه، تخصیص بهینه منابع و در نهایت بهبود رشد اقتصادی شود. به‌طوری که با افزایش یک درصدی در شاخص پاسخگویی و اظهارنظر، رشد اقتصادی ایران در بلندمدت ۰/۰۱ درصد افزایش خواهد یافت.

با افزایش ثبات سیاسی در بلندمدت، ریسک و نااطمینانی در فضای اقتصادی کشور کاهش یافته و به‌تبع آن سرمایه‌گذاری‌های داخلی و خارجی و رشد اقتصادی افزایش می‌یابد. به طوری که با افزایش یک درصدی در شاخص ثبات سیاسی، رشد اقتصادی ایران در بلندمدت ۰/۱۰ درصد افزایش خواهد یافت.

با افزایش کیفیت نهادهای حاکم بر جامعه می‌توان انتظار داشت، منافع و هزینه‌های فعالیت‌های اقتصادی کشور تحت تأثیر قرار گرفته و منجر به ایجاد کسب‌وکارهای جدید در جامعه شود و به تبع آن رشد اقتصادی نیز افزایش یابد. به طوری که با افزایش یک درصدی در شاخص کیفیت مقررات، رشد اقتصادی ایران در بلندمدت ۰/۱۹ درصد افزایش خواهد یافت. لازم به ذکر است این شاخص، مهم‌ترین شاخص حکمرانی خوب در بهبود رشد اقتصادی ایران در بلندمدت است. لذا توجه بیش از پیش به نوع تنظیم مقررات و کنترل کیفیت و اجرای آن می‌تواند در ارتقاء و بهبود رشد اقتصادی ایران بسیار مؤثر واقع شود.

اثر بخشی دولت یا به معنای دیگر بوروکراسی شایسته می‌تواند مؤثر بودن سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته را افزایش دهد و رشد اقتصادی را در کشور بهبود بخشد.

به‌طوری که با افزایش یک درصدی در شاخص اثربخشی دولت، رشد اقتصادی ایران در بلندمدت ۰/۰۹ درصد افزایش خواهد یافت.

با افزایش حاکمیت دولت، احترام بین شهروندان و دولتمردان بهبود یافته و لذا در یک جامعه قانونمند منابع به شکل صحیحی توزیع و هدایت شده و از اتلاف آن در فعالیت‌های رانت‌جویانه جلوگیری می‌شود. به‌همین دلیل می‌توان انتظار داشت در بلندمدت با افزایش یک درصدی در شاخص حاکمیت دولت، ۰/۰۵ درصد به رشد اقتصادی افزوده خواهد شد.

فساد مالی و اداری، همواره اثر منفی و بازدارنده‌ای بر سرمایه‌گذاری و رشد اقتصادی کشورها داشته است. به‌همین دلیل با افزایش کنترل فساد در یک کشور، می‌توان انتظار افزایش کارایی دولت و رشد اقتصادی را در بلندمدت داشت. به‌طوری که در مطالعه حاضر، با افزایش یک‌درصدی در شاخص کنترل فساد، رشد اقتصادی ایران به میزان ۰/۰۸ درصد افزایش می‌یابد.

و به‌طور کلی با افزایش میانگین حسابی شاخص‌های حکمرانی در کشور، رشد اقتصادی در بلندمدت ۰/۰۲ درصد افزایش می‌یابد.

تأثیر بازبودن تجاری بر رشد اقتصادی در تمامی مدل‌های برآوردی به غیر از معادله ۷، منفی و معنادار است. این موضوع نشان‌دهنده آن است که حجم واردات و صادرات در ایران به اندازه کافی تأمین‌کننده رشد اقتصادی نبوده است. می‌توان این‌گونه استدلال کرد که در سال‌های اخیر به دلیل تحریم‌های وارده، ایران با کشورهای کمتری رابطه تجاری داشته و لذا از درجه بازبودن تجاری کمتری نیز برخوردار بوده است. بنابراین اثر بازبودن تجاری بر رشد اقتصادی موجب کاهش رشد اقتصادی شده است.

اثرگذاری مالیات بر رشد اقتصادی می‌تواند از طریق سه کانال؛ اثر بر تصمیمات تخصیصی بنگاه‌ها، اثر بر انباشت عوامل تولید و تأثیرات مالیات بر سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های تحقیق و توسعه صورت گیرد. لذا در تمامی مدل‌ها اثر درآمدهای مالیاتی بر رشد اقتصادی مثبت می‌باشد.

به دلیل آنکه برخی مدل‌ها با بردار اول هم‌انباشتگی همساز و معنادار نشدند، نرخ تورم از معادلات ۲-۴-۵-۶ حذف شده است، چون در این مدل‌ها از بردار دوم هم‌انباشتگی استفاده شده است. در مدل‌هایی که نرخ تورم حضور دارد، رابطه آن با رشد اقتصادی مثبت و معنادار است، به عبارتی با افزایش تغییرات شاخص قیمت کالاها و خدمات مصرفی، عرضه کالاها افزایش یافته، در نتیجه تولید و رشد اقتصادی نیز افزایش می‌یابد. البته بایستی در نظر داشت که تورم‌های بالا موجب اثرات مخرب بر رشد اقتصادی خواهد شد، لذا کنترل تورم امری لازم و حیاتی است.

رابطه اشتغال و رشد اقتصادی در تمامی مدل‌های برآوردی مثبت و معنادار است. لذا با افزایش سهم شاغلان به نیروی فعال به‌عنوان یکی از نهاده‌های مؤثر در تابع تولید هر کشور، رشد اقتصادی نیز افزایش می‌یابد.

تشکیل سرمایه ثابت ناخالص به غیر از معادله ۷، در بقیه معادلات دال بر رابطه مثبت بین رشد اقتصادی و سرمایه‌گذاری در ایران است. به عبارتی با افزایش سرمایه‌گذاری در کشور، منابع سرمایه‌گذاری به مولدترین و کارآمدترین بخش‌های اقتصادی هدایت شده و در نتیجه باعث تسریع رشد اقتصادی می‌شود. با افزایش مخارج واقعی دولت در تمامی مدل‌های برآوردی به غیر از معادله ۴، رشد اقتصادی افزایش معناداری داشته است، به عبارتی وظایف دولت در جهت ثبات اقتصادی، تخصیص و توزیع منابع می‌تواند به بهبود رشد اقتصادی کشور کمک بسزایی کند.

برآورد الگوی تصحیح خطای برداری (VECM)

به منظور ارتباط دادن رابطه تعادلی بلندمدت بین متغیرها با تغییرات کوتاه‌مدت آن‌ها، الگوی تصحیح خطای برداری، مورد استفاده قرار گرفته است. الگوی تصحیح خطای برداری با تفاضل‌گیری از متغیرهای مورد استفاده در الگوی VAR و جزء اخلاص رابطه بلندمدت $ECM(-1)$ ساخته می‌شود. به عبارت دیگر، این الگو یک بازخورد تلقی می‌گردد و بنا بر آن متغیر وابسته نسبت به عدم تعادل دستگاه تعدیل می‌شود و حصول به رابطه بلندمدت را تضمین می‌کند. الگوی تصحیح خطای برداری با استفاده از بردار همگرایی انتخابی که در

واقع بیانگر رابطه بلندمدت میان متغیرهاست، رابطه کوتاه‌مدت آنها را برآورد نموده و ضریب تصحیح خطا، همگرایی مدل و متغیرهای موجود در آن را نشان می‌دهد. در مدل‌های تصحیح خطا شرط همگرایی آن است که ضریب تصحیح خطا از لحاظ آماری معنادار باشد، قدر مطلق آن بین صفر و یک و از نظر علامت نیز منفی باشد. جدول ۴ نتایج حاصل از برآورد الگوی تصحیح خطای برداری و سرعت تعدیل در کوتاه‌مدت را برای مدل‌های برآوردی نشان می‌دهد. به دلیل ازدیاد جداول مربوط به برآورد روابط علی کوتاه و بلندمدت، در جدول ۴ تنها به دو متغیر اصلی این مطالعه یعنی شاخص‌های حکمرانی و رشد اقتصادی پرداخته می‌شود.

جدول شماره ۴: برآورد مدل تصحیح خطای برداری (متغیر وابسته: رشد اقتصادی)

مدل‌های برآوردی	متغیرها	کوتاه‌مدت D(lnGDP)	بلندمدت ECTt-1
مدل شاخص کنترل فساد	D(lnCC)	-۰/۰۶ (-۰/۱۵)	-۰/۵۹ ×(-۳/۴۱)
مدل شاخص اثربخشی دولت	D(lnGE)	۰/۱۵ (۰/۲۸)	-۰/۴۹ ×(-۵/۴۵)
مدل شاخص ثبات سیاسی	D(lnPS)	۰/۰۷ (۱/۴۷)	-۰/۵۰ ×(-۶/۳۳)
مدل شاخص کیفیت مقررات	D(lnRQ)	۱/۰۹ (۰/۷۶)	-۰/۴۷ ×(-۱۰/۱۳)
مدل شاخص حاکمیت قانون	D(lnRL)	-۰/۳۴ (۱/۱۶)	-۰/۴۶ ×(-۲/۲۵)
مدل شاخص پاسخگویی و اظہار نظر	D(lnVA)	-۰/۸۵ (-۰/۵۳)	-۰/۷۰ ×(-۲/۵۱)
مدل شاخص کل حکمرانی	D(lntotal)	۰/۱۳ (۰/۲۶)	-۰/۸۶ ×(-۲/۸۴)

اعداد داخل پرانتز آماره t، * معناداری در سطح ۱٪ را نشان می‌دهد

باتوجه به جدول ۴ مشاهده می‌شود تمام شاخص‌های حکمرانی در این پژوهش فاقد اثرگذاری کوتاه‌مدت بر رشد اقتصادی هستند و در عوض همه شاخص‌ها در بلندمدت دارای یک اثرگذاری معنادار بر رشد اقتصادی هستند. براساس برآورد الگوی تصحیح خطای

برداری در مورد رابطه شاخص‌های حکمرانی و رشد اقتصادی، ضریب تصحیح خطا در مدل کلی $0/86-$ می‌باشد و اندازه آماره t برآورد شده برای آن $2/84-$ می‌باشد که دلالت بر معنادار بودن آن در سطح $0/95$ دارد. همانگونه که ملاحظه می‌شود این ضریب دارای علامت موردنظر بوده و بین صفر و یک قرار دارد. مقدار ضریب به‌دست آمده نشان می‌دهد که در هر دوره ۸۶ درصد اختلاف ناشی از شوک از بین می‌رود و متغیرها به روند بلندمدت خود باز می‌گردند. برای سایر مدل‌ها نیز همین شرایط برقرار است. به طوری که در مدل ۲، مقدار و آماره t ضریب تصحیح خطای برداری نشان از سرعت تعدیل ۵۹ درصدی متغیرها است. در مدل ۳، به‌دلیل شوک وارده به ثبات سیاسی، در هر دوره ۵۰ درصد اختلاف ناشی از این شوک از بین می‌رود. سرعت تعدیل در مدل ۴ و ۵ به‌ترتیب ۴۶ و ۴۷ درصد است. به عبارتی در هر دوره ۴۶ و ۴۷ درصد اختلافات ناشی از شوک‌های وارده حذف می‌شود. و در مدل ۶ نیز با سرعت تعدیل ۷۰ درصد اختلافات ناشی از شوک در هر دوره از بین می‌رود. با مشاهده نتایج به‌دست آمده، می‌توان گفت در تمامی مدل‌های برآوردی اختلافات ناشی از شوک‌های وارده به شاخص‌های حکمرانی با سرعت تعدیل بالایی در هر دوره از بین می‌روند.

همچنین جدول ۳ نشان می‌دهد، نتایج الگوی تصحیح خطای برداری تأییدکننده روابط بلندمدت و بردار نرمال شده هستند. لذا در کوتاه‌مدت متغیرهای هر کدام از مدل‌ها نسبت به عامل خطا به‌نحوی اصلاح می‌شوند که رابطه بلندمدت بین آنها در الگوی VAR برقرار باشد. از بین شاخص‌های حکمرانی بالاترین ضریب تصحیح خطا مربوط به شاخص پاسخگویی و اظهارنظر با ۷۰ درصد است و پایین‌ترین ضریب مربوط به شاخص حاکمیت قانون با ۴۶ درصد است.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

رشد اقتصادی یکی از شاخص‌های مهم توسعه محسوب می‌شود و با توجه به هدف‌گذاری اکثر کشورها به سمت بهبود و ارتقای سطح رفاه جامعه، مقوله رشد اقتصادی همواره با متون اقتصادی عجین بوده و مطالعات متعددی در خصوص مدل‌های رشد اقتصادی طی دهه‌های گذشته و اخیر انجام شده است. به‌طوری که در خصوص تبیین علل رشد اقتصادی از نقش

سرمایه و نیروی کار به عنوان مهم‌ترین عوامل رشد آغاز شده و به تدریج طی مطالعاتی با ورود عوامل دیگر همچون تغییرات جمعیتی، سرمایه انسانی، سرمایه اجتماعی، بهداشت، فناوری اطلاعات و ارتباطات، رانت و غیره کامل‌تر شده است.

با این وجود تفاوت‌های چشمگیر در عرصه رشد اقتصادی کشورها لزوم بازنگری و تکمیل نظریه‌های موجود را ضروری دانسته و مطالعات متعددی در خصوص معرفی الگوهای جدید رشد در حال انجام است. آنچه در دهه اخیر مطرح شده، نقش مؤثر حکمرانی خوب با رویکردی نوین مبتنی بر شفافیت عملکردها، پاسخگویی دولت‌ها، حاکمیت قانون و کیفیت قوانین، کنترل و مقابله با فساد و رانت و ارتقای کارآمدی دولت‌ها در الگوهای رشد اقتصادی می‌باشد. به طوری که شواهد تجربی نشان از این دارند که خصوصی‌سازی و ایجاد دولت حداقل به تنهایی نمی‌تواند الزامات رشد و توسعه اقتصادی را به همراه داشته باشد و ضروری است که در کنار کوچک‌سازی حجم فعالیت‌های دولت و گذر از اقتصاد دولتی به خصوصی، برخی از الزامات و سیاست‌ها از قبیل؛ شفاف‌سازی و پاسخگویی دولت، ارتقای کارآمدی، کنترل فساد و رانت، ثبات سیاسی و اقتصادی، مقررات‌زدایی و حاکمیت قانون مصوب در کنار سیاست کوچک‌سازی دولت اتخاذ گردد.

باتوجه به اهمیت موضوع در این پژوهش سعی گردید به بررسی اثرگذاری شاخص‌های حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی ایران در دوره زمانی ۱۳۹۴-۱۳۶۲ پرداخته شود. نتایج حاصل از برآورد مدل در بلندمدت نشان داد از بین شاخص‌های حکمرانی، کیفیت مقررات و پاسخگویی و اظهارنظر به ترتیب از بالاترین و پایین‌ترین اثرگذاری بر رشد اقتصادی برخوردار بودند. ولی تمامی شاخص‌ها دارای رابطه مثبت و معناداری با رشد اقتصادی در بلندمدت بودند. در مورد سایر متغیرهای توضیحی نیز، نرخ اشغال، سرمایه‌گذاری، مخارج دولت، نرخ تورم و درآمدهای مالیاتی دارای رابطه مثبت با رشد اقتصادی بودند ولی بازبودن تجاری دارای اثرگذاری منفی بر رشد اقتصادی بوده است.

نتایج ضریب تصحیح خطای برداری نیز نشان از سرعت بالای تعدیل متغیرهای مورد بررسی است، به طوری که از بین شاخص‌های حکمرانی بالاترین ضریب تصحیح خطا مربوط به شاخص پاسخگویی و اظهارنظر با ۰/۷۰ درصد است و پایین‌ترین ضریب مربوط

به شاخص حاکمیت قانون با ۰/۴۶ درصد است. علاوه بر این نتایج آزمون علیت گرنجری نیز دال بر وجود رابطه علیت یک‌طرفه از هرکدام از شاخص‌های حکمرانی به رشد اقتصادی در بلندمدت است.

نتایج این تحقیق نشان داد که سیاست‌گذاران اقتصادی کشور برای افزایش رشد اقتصادی می‌بایست در کنار توجه به افزایش سرمایه فیزیکی، اشتغال و سرمایه انسانی، توجه خاصی نیز به نحوه حکمرانی و ایجاد شرایط و بسترهای مناسب جهت بهبود آن داشته باشند و لذا فعالیت‌های انجام شده جهت بهبود نحوه حکمرانی را به مثابه یک سرمایه‌گذاری مفید تلقی کنند که نتیجه آن بهبود رشد اقتصادی و افزایش رفاه جامعه می‌باشد. در ادامه پیشنهاداتی جهت بهبود حکمرانی خوب و اثربخش در کشور ارائه می‌شود:

تعریف شاخص‌های حکمرانی خوب از جمله ثبات سیاسی در پرتو حیات و ثبات دولت و عملکرد اقتصادی

نظام حقوقی سالم در پرتو حاکمیت قانون و کاهش خطر ابطال قراردادها

نظام اداری سالم در پرتو کاهش میزان فساد ملی در تمام سطوح

کاهش میزان خشونت سیاسی در پرتو کاهش تنش‌های قومی، خطرهای جنگ‌ها و منازعات داخلی و میزان تروریسم سیاسی

پذیرش اصل شکل‌دهی حاکمیت توسعه‌گرا، مقتدر و برخوردار از نظام توسعه مدیریت‌ها و سیستم‌های نوین علمی، فنی، حقوقی و اداری کارآمد

ایجاد شفافیت در فرایند قانون‌گذاری و عملکرد نهادهای اجرایی

ثبات در برنامه‌ها و اهداف طراحی شده توسط دولت و عدم تغییر پیاپی سیاست‌ها به نحوی که میزان محیط اقتصادی و سیاسی قابل پیش‌بینی باشد.

منابع

- اولسن، مانسر (۱۳۸۲) استبداد، مردم‌سالاری و توسعه، ترجمه حسین راغفر، دولت، فساد و فرصت‌های اجتماعی، انتشارات نقش و نگار، چاپ اول.
- ایوانز، پیتر و راج، جیمز (۱۹۹۹) یوروکراسی و رشد اثر ساختارهای دولت وبری بر رشد اقتصادی: یک تحلیل مقطعی-ملی ترجمه فریبا مؤمنی، مؤسسه مطالعات دین و اقتصاد، فصلنامه اقتصاد سیاسی، ۳.
- برادران شرکاء و ملک‌الساداتی (۱۳۸۷) تأثیر حکمرانی خوب (براساس شاخص‌های بانک جهانی) بر رشد اقتصادی در کشورهای منتخب (۲۰۰۵-۱۹۹۶)، مجله راهبرد، ۴(۴۹)، ۵۲-۲۷.
- جعفری صمیمی، احمد و حمید آذرمنند (۱۳۸۴) بررسی رابطه بین آزادسازی اقتصادی و عملکرد اقتصاد کلان در کشورهای جهان (۲۰۰۱-۱۹۸۰)، فصلنامه پژوهشنامه بازرگانی، ۳۷، ۶۲-۴۱.
- شاگری، محبوبه، جعفری صمیمی، احمد و زهرا کریمی موغاری (۱۳۹۴) ارتباط بین متغیرهای نهادی و رشد اقتصادی: معرفی شاخص نهادی جدید برای منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، فصلنامه پژوهش‌های رشد و توسعه اقتصادی، ۶(۲۱)، ۹۴-۱۰۶.
- شریف‌آزاده، محمدرضا و محمدحسین حسین‌زاده بحرینی (۱۳۸۲) تأثیرپذیری سرمایه‌گذاری خصوصی از شاخص‌های امنیت اقتصادی (۱۳۷۹-۱۳۵۸)، نشریه نامه مفید، ۳۸.
- عیسی‌زاده، سعید و اکبر احمدزاده (۱۳۸۸) بررسی اثر عوامل نهادی بر رشد اقتصادی با تأکید بر نهادهای حاکمیتی (مطالعه موردی بین کشوری برای دوره ۲۰۰۵-۱۹۹۶)، پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۱۳(۴)، ۲۸-۱.
- کمیجانی، اکبر و پروانه سلاطین (۱۳۸۷)، تأثیر حکمرانی خوب بر رشد اقتصادی در گروه کشورهای منتخب OPEC و OECD، فصلنامه مدل‌سازی اقتصادی، ۲(۲)، ۲۴-۱.
- متفکرآزاد، محمدعلی، اسدزاده، احمد و سعید گرشاسبی‌فخر (۱۳۹۲)، تأثیر حکمرانی خوب بر تولید ناخالص داخلی، دو فصلنامه جامعه‌شناسی اقتصادی و توسعه، ۲، ۱۴۴-۱۲۵.
- میدری، احمد (۱۳۸۵) مقدمه‌ای بر نظریه حکمرانی خوب، مجله رفاه اجتماعی، ۶(۲۲).
- میدری، احمد و خیرخواهان، جعفر (۱۳۸۳) حکمرانی خوب، بنیان توسعه، مرکز پژوهش‌های مجلس.
- میرزاابراهیمی، رضا (۱۳۸۵) راهکارهای اعمال اصلاحات در حوزه دولت از دیدگاه استیگلیتز، فصلنامه اقتصاد و جامعه، ۷، ۷۷-۵۴.

- ندیری، محمد و محمدی، تیمور (۱۳۹۰) بررسی تأثیر ساختارهای نهادی بر رشد اقتصادی با روش GMM داده‌های تابلویی پویا، *مدلسازی اقتصادی*، ۵(۳)، ۱-۲۴.
- نصیرخانی، پرویز (۱۳۹۳) تأثیر حکمرانی خوب به‌عنوان شاخص اخلاقی بر رشد اقتصادی، *فصلنامه علمی-ترویجی اقتصاد و بانکداری اسلامی*، ۷، ۸۵-۱۰۴.
- Alesina, Alberto, Perotti, R., (1996) Income distribution, political instability and investment || European, *Economic Review*, 40 (6), 1203-1228.
- Barro, Robert. (1991) Economic growth in a cross section of countries || quarterly, *Journal of Economics*, 106 (2), 407-433.
- Clague, C., Keefer, P., Knack, S., Olson, M., (1996) Property and contract rights in autocracies and democracies, *Journal of Economic Growth*, 1(2), 243-276.
- Engerman, S.L., Mariscal, E.V., Sokolof, K.L. (1999) *The persistence of inequality in the Americas: Schooling and suffrage*, Mimeo, UCLA, 1800-1945.
- Fatas, A., & Mihov, I. (2013) Policy volatility, Institutions & Economic Growth, *Review of Economics and Statistics*, 95(2), 362-376
- Fayissa, B., & Nsiah, C. (2013) The impact of governance on economic growth in Africa, *Journal of Developing Areas*, 47(1), 91-108.
- Feng, Y. (2003) *Democracy, Governance and Economic performance: Theory and Evidence Cambridge*: MA, MIT press.
- Gilbert Niyongabo, (2003) *Trade openness policy, Quality of institutions and economic growth*, University Auvergne Clermont, Frrand, France.
- Huang, C.J., and Ho, Y.H., (2017) Governance and economic growth in Asia, *North American Journal of Economics and Finance*, 39, 260-272.
- Huynh, Kim P, Jacho-Chavez David T. (2009) Growth and Governance: A Nonparametric Analysis, *Journal of Comparative Economics*, 37, 121-143.
- Knack, s. (Ed.) (2003) *Democracy, Governance and Growth*, Ann Arbor: The University of Michigan press.
- Knack, s. and keefer, p. (2003) *Does social capital Have an Economic Payoof: A cross country emprical investigation*, the university of Michigan Press.

- La porto, R., Lopez- de- silanes, f., shleifer, A. and vishny, R. (1998) The Quality of Government, *Journal of Law, Economics and organization*, 15 (1): 222-279.
- Leff, N. (1964) Economic development through bureaucratic corruption, *American Behavioral Scientist*, 8(2):8-14.
- Rodrik, D. (1999) Democracies pay higher wages, *Quarterly Journal of Economics*, 114 (3), 707-738.
- Sviltana, Taran, (2000) *Property Rights, Institutions and Private Sector Development in Transition Countries*, A thesis submitted in partial fulfillment of the requirements for the degree of National, University of Kyiv-Mohyla Academy.
- World Bank (2002) Governance Matters II: Updated Indicators for 2000-01, *Policy Research Working Paper 2772*, Washington.